



انجمن نویسندگان کودک و نوجوان از نگاه اعضای

انجمن نویسندگان کودک و نوجوان

شادی وطن پرست

خود را باز کرده که حدود ۲۴۰ عضو دارد که ادبیات کودک را راهبری می‌کنند، خودش افتخار بزرگی برای کشور ما به حساب می‌آید. کمتر کشوری را می‌توان پیدا کرد که اینهمه عضو فعال برای ادبیات کودک داشته باشد و این جای تقدیر و تشکر دارد و نشان می‌دهد که جامعه بویا و بالندهای است و مردم به ادبیات کودک و نسل آینده اهمیت می‌دهند.»

وی در زمینه مشکلات در انجمن می‌گوید: «حسب به مدیریت دنیای امروز، مدیریت ما برخاسته از نگاه سنتی مدیریتی است و فکر می‌کنم مدیریت خاصی دستگاههای دولتی است. در حالیکه در انجمنهای غیردولتی باید مدیریت متفاوت وجود داشته باشد و مشکلات همواره هست وی انجمن خودش را حفظ کرده و حضور پیوسته انجمن در آینده در گرو مدیریت درست است. مدیریت سازمانهای غیردولتی اصول علم مدیریت سازمانهای غیردولتی که دو بحث مدیریت جدید تعریف خاص خود را دارد و باید علمی بررسی شود. به نظر من هیأت‌مدیره قبلی هیأت‌مدیره خوبی بود.»

توران میرهادی عضو هیأت‌مدیره شورای کودک است و با وجود اینکه خود را واجد شرایط



اظهار نظر درباره عملکرد انجمن نمی‌دانسته اما از آن‌جایی که گزارش‌ها و اخبار انجمن را دنبال می‌کرد، گفت: «اگر

فعلیتی در انجمن صورت بگیرد، مثبت و مهم است و من از این بابت بسیار خوشحالم زیرا هر قدیمی که انجمن در جهت پیشرفت برادر، مثل

نویسندگان تا حدی موفق بوده است. با این تعریف انجمن به محلی برای تجمع کرده‌هایی و تبادل افکار نویسندگان تبدیل شده است. اما از انجمن نویسندگان انتظار بیشتری می‌رود که این انتظار در اهداف بلندمدت تجلی می‌یابد. آشنایی با حقوق نویسندگان و پیگیری مسایل صنفی، بیمه، مسکن و... از حداقل انتظاراتی است که می‌توان از یک انجمن صنفی داشت. مگر اینکه انجمن تعریف غیرصنفی از خود ارایه داده باشد. اما من روی هم رفته عملکرد این چهار سال را به دلیل نوبایی انجمن و مشکلات فراوان انجمنهایی از این دست مثبت ارزیابی می‌کنم چرا که دست‌کم هرگز حالت سکون و بی‌تحریکی را پیدا نکرده است و همیشه در تکاپوی رسیدن به هدفی است. هرچند که این اهداف ممکن است در آینده‌ای نه چندان نزدیک لباس واقعیت بپوشد.

هدیه شریفی، سرمدیبر نشریه رشد کودک و دبیر کمیته آموزش و پژوهش انجمن فعالیت

انجمن را طی این چهار سال مثبت ارزیابی کرده و می‌گوید: «هر پدیده زنده‌ای لوچ و کارهایی که مجبور می‌شود انجام دهد هم طبیعی است. یک پدیده زنده که هنوز قدمهای اولش را برای حیاتش برمی‌دارد، دچار اشتباهها و مشکلات می‌شود و این خیلی طبیعی است. اما همینکه این انجمن تعداد اعضایش قابل ملاحظه است و همینقدر که ادبیات کودک در ایران اینقدر جای



برای بنا نهادن یک خانه تمام اعضای آن در خشت‌خشت‌اش سهیم‌اند تا این خانه به سرپناهی امن برایشان تبدیل گردد.

چند سال پیش عموزاده خیلی به همراه تنی چند از نویسندگان کودک و نوجوان طرح بنای چنین خانه‌ای را عنوان نمود که کم‌کم با یاری نویسندگان دیگر آترا بنا ساختند و نامش را «انجمن نویسندگان کودک و نوجوان» نهادند.

وجود این انجمن نیز به نوعی خلفه‌ای است برای نویسندگان کودک و نوجوان به پهنانه ساخت این خانه. همه دور هم گردآمده تا با هم «ها» شوند و بتوانند کمی آسوده‌تر از گذشته در پی رفع برخی از مشکلات و کسب امتیازاتی بنویسند و به «ها» فکر کنند و باز هم بنویسند...

چهار سال است که از تشکیل این خانه می‌گذرد و هم‌اکنون در آستانه سومین دوره انتخابات هیأت‌مدیره آن هستیم؛ هیأت‌مدیره‌ای که در دو دوره پیاپی حضور داشتند. به همین پهنانه به بررسی عملکرد انجمن در طی این چهار سال می‌پردازیم...

چینستا تیرپی، نویسنده مترجم و عضو انجمن است. وی عملکرد انجمن را اینگونه

ارزیابی می‌کند: «بررسی هر انجمنی باید با در نظر گرفتن اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت آن تحلیل شود. تصور من این است که انجمن نویسندگان کودک و



نوجوان در دستیابی به اهداف کوتاه‌مدتی چون آگاهی‌بخشی در زمینه مسایل این قشر، اطلاع‌رسانی و ایجاد چتر حمایتی برای

این است که کار بزرگی برای بچه‌های این کشور انجام شده است.»

رضی هیرمندی، مترجم و عضو انجمن است که در زمینه عملکرد انجمن، چنین می‌گوید: «اجازه



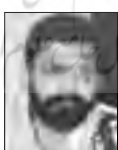
بمهد بی‌برده عرض کنیم که به اعتقاد من شکل‌گیری انجمن نوسندگان کودک و نوجوان با حمایت جناح اصلاح‌طلب حکومت انجام گرفت. دست‌کم عده‌ای از نوسندگان سلسله‌چینان این شکل بودند که سال‌های سال بعد از انقلاب در حوزه تصمیم‌گیری برای ادبیات رسمی کودک یک‌پارچه عرصه بودند. با این همه من جزء کسانی نیستم که گمان می‌کنند انجمنی از آن جهت بوجود آمده که این عده یاد شده از جولان دادن در دایره‌ی انحصار خسته شده و حالا به فکر دایره‌ی بازتر اما همچنان کنترل شده افتاده بودند. البته تغییر رای و اندیشه چند نفر که هر یک به تناسب دارای پشتوانه ادبی فرهنگی هستند، می‌تواند در به وجود آمدن یک شکل تأثیرگذار باشد. اما واقعیت این است که به وجود آمدن انجمن علاوه بر مسائل و مصالح سیاسی ناشی از یک ضرورت فرهنگی است و می‌توانیم آرزو کنیم که کاشی ضرورت فراتر از این بود و شرایط به نحوی می‌بود که انجمن صرفاً از درون خواسته‌های خود نوسندگان سربرمی‌آورد. به هر حال بنیان‌های

و مداریان اولیه انجمن هرچه بوده باشد، واقعیت این است که این شکل صنفی تا این لحظه موفق شده اکثریت طیف گسترده و چشمگیر نوسندگان و مترجمان کودک و نوجوان را با وجود فقرات و گرایش‌های سیاسی گوناگون زیر یک چتر جمع کند و این دستاورد کوچکی نیست. من به شخصه وقتی وارد انجمن می‌شدم که هوشنگ مرادی گرمائی، محمدرضا یوسفی، محمدنهادی محمدی حسین ابراهیمی (لوئند) و دهها وجود ارجمند دیگر با خواست خود در آنجا حضور دارند نمی‌توانم آن را انجمن را از خود و خود را از آن انجمن ندانم.

انجمن هرچه هست تشکل از خود ماست و از این گذشته علیه هیچ تشکل مدنی یا صنفی فرهنگی دیگری نیست. ما نمی‌خواهیم برای

سیاستمداران تعیین تکلیف کنیم. اما انتظار داریم حرف ما شنیده شود که بدون تشکل‌های مدنی و صنفی مستقل، نه اصلاحات می‌تواند به سرانجامی برسد و نه مردم‌سالاری نهادینه می‌شود. درست است که انجمن دچار سردرگمی‌ها، کمبودها و کاستی‌هایی بوده اما وقتی به کارنامه چهارساله آن نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که انجمن با جمع کردن نوسندگان کودک و نوجوان به دور هم و با برگزاری سخنرانی‌ها، میزگردها و کلاس‌های آموزشی و با دفاع از حقوق صنفی اعضای خود در این مدت قدم‌های مثبتی در راه اعتلای فرهنگی جامعه برداشته است. در حال حاضر در کنار کسانی که با خوش‌بینی و با انتقاد سازنده از درون انجمن تقویت آن را و چپه‌ها خود قرار داده‌اند، عمدتاً در بیرون انجمن دو گرایش دیگر نیز وجود دارد که از حرکت کنونی و از سمت‌گیری مستقل انجمن احساسی سرخورده‌گی می‌کنند: اول آن‌هایی که از انجمن صنفی تمعیر محدود‌راهی را در ذهن خود می‌پوراندند و دوم کسانی که انجمن را پوششی برای دسته‌بندی و سیاست‌بازی می‌خواستند. اما اکثریت نوسندگان به خوبی توجه دارند که دست‌افزار چپ و راست شدن، همان و از حرکت سالم و بی‌پایه‌ی منحرف شدن، همان. نوسندگان نمی‌خواهند امروز با دست عده‌ای بلند شوند و فردا به دست همان عده بین زمین و آسمان رها شوند. این یکی از دغدغه‌های من به عنوان یکی از اعضای انجمن است.»

سیدعلی کاشفی خوانساری نویسنده، منتقد و از اعضای انجمن می‌باشد. او نیز فعالیت انجمن را با وجود کمی‌ها و کاستی‌ها، مثبت



ارزیابی کرد و از اینکبه انجمن توانسته ۳ سال روی پای خود بایستد ابراز خرسندی کرد. وی در ادامه گفت: «گاهی ما تلاش

می‌کنیم که یک تشکل مدنی را بوجود بیاوریم تا به آزادی برسیم اما کمی بعد تبدیل به روش‌های مستبدانه می‌شود. هرچند هدف مؤسسان این نبوده، اما در عمل... نتیجه این چهار سال این است که هم‌کمون یک انجمن داریم و از این به بعد باید تلاش کنیم که یک انجمن خوبه جامعه

و فراگیری داشته باشیم. افرادی که انتخاب می‌شوند، باید بتوانند تمام سلیاق مختلف را پوشش دهند باید مسئول و باایر باشند. ممکن است بسیاری از افراد، قصه‌نویسان بسیار خوبی باشند اما باحت مدیریتش چالاست.»

محبوبه نجف‌خانی مترجم از اعضای انجمن است مشکل اصلی نوسندگان کودک و نوجوان را در زمینه



چاپ و نشر بیان نمود چرا که هیچگاه ناشران به ادبیات کودک و نوجوان بها نمی‌دهند که در این رابطه انجمن فعالیتش تمرکزش انجام نداده

و مشکل دیگر نوسندگان را ابراز کتابها مطرح کرد و در ادامه گفت: «انجمن در این رابطه می‌توانست با آموزش و پرورش ارتباط بیشتری برقرار کند که بسیاری از مشکلات نوسنگان حل می‌شد. و من امیدوارم انجمن این اقدامات را از طرف هیأت‌مدیره انجام داده و پیگیری کند. هرچند توقعات من از انجمن بسیار زیاد است، اما فکر می‌کنم، این دو مورد از موارد بسیار مهم و ضروری هستند.» او به مشکلات درحالیته انجمن اشاره کرد و گفت: «هوستایی که از انجمن استعفا دادند و مسائلی که پیرامون انجمن بوجود آمده، مرا به شک انداخت چرا که هر زمانی توصیفی از انجمن خواستیم آنها ادعا کردند که نمی‌خواهند، چنجالی پیش بیاید اما به نظر من

انجمن برای رفع شک ما نیز باید به برخی از سوالات جواب دهد.» نجف‌خانی در رابط با فعالیت‌های انجمن، تشکیل و حضور انجمن را مهم دانست و حضور نوسندگان را دور هم برای تبادل افکار، نظرات و همکاری بسیار مثبت مؤثر ارزیابی کرد. او نیز به مدیریت صحیح در هیأت‌مدیره اشاره کرد و درخواست کرد تا تجدیدنظری در زمینه نحوه عضوگیری انجام شود.

مجید عقیق مترجم است از اعضای انجمن. وی معتقد است بسیاری از مسائل و مشکلات انجمن به عملکرد اعضا نیز برمی‌گردد چرا که در جلات و نشست‌ها بسیاری از اعضا حضور پیدا نمی‌کنند و در ادامه می‌گوید: «اگر اعضای انجمن فعال‌تر از قبل عمل کنند، بهتر

است چرا که حداقل اعضا هدیدگر را می‌بینند! همچنین هیأت‌مدیره نیز باید سعی کند مسایل رفاهی را برای اهل قلم فراهم سازد. مثل تأسیس تعاونی مسکن و... وی به نحوه عضوگیری تعاونی اشاره کرد و گفت: «این شکل صحیح نیست چرا که اعضا یکدست نیستند به نظر من انجمن بسیار ساده عضوگیری می‌کند و باید فیلترهای بهتری را تعیین کند. و کارها از لحاظ کیفی بررسی شوند.»

مازیار تهرانی پس از ارزیابی موقعیت انجمن در سطح جامعه، می‌گوید: «انجمن با کانون نویسندگان فرق می‌کند و با بسیاری از تشکل‌هایی که انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی بسیار فعال و به روز در آنها وجود دارد، فرق می‌کند. من حدود یک سال است که مسئولیت کمیته نامین دارم و رفاه انجمن را به عهده گرفتم؛ قبل از این فکر می‌کردم انجمن را عملی راه انداخته‌اند، من عضو شدم و آنها کارشان را انجام می‌دهند. ولی وقتی که آرام آرام رفته و آمد و از من خواستند که من هم کمک کنی، دیدم که نه، وقتی که یک نفر می‌آید، به اندازه یک نفر برایش جا هست که کار کند و وقتی یک نفر برای انجمن کاری انجام نمی‌دهد، به همان اندازه در انجمن خلاء وجود دارد که در انجمن مشارکت داشته باشند اما این مشارکت هنوز چهره واقعی خودش را آن طور که باید و شاید نشان ندهاده است. من می‌بوم که انجمن همین که طی این چند سال فعالیتش با خرج جیب خود اعضا بسایند و بتواند کمک‌هایی از اطراف بگیرد، کمک‌های فرهنگی، کمک‌های مالی انجمن درحال حاضر در نقطه‌ای است که جلسات هیأت‌مدیره با آراش انجام می‌شود. جلسات کمیته‌ها بسیار اجزایی و عالی است. متأسفانه کم‌سرمی و کم‌موسلگی برخی از دوستمان را در سال گذشته پشت سر گذاشتیم امپوزیوم که دوستان دیگر تجربیات دیگری راه باشند که این راه اصلاحات نیست، همه این‌ها پشت سر گذاشته شد مطبوعات مثل کل کشورمان که با مسایل برخورد می‌کنند، ما انجمن هم برخورد کردیم گلهی انتقادات به حدی شدید بود که یک گزینه فکر می‌کرد که انجمن به سمت فروپاشی سپری می‌کند. اما اصلاً چنین چیزی وجود نداشت. اما اتفاق دیگری که بود، این فشارهای (بعضی‌ها می‌گویند سیاسی، من می‌گویم

سلیقه‌ای) باعث شد که هیأت‌وزیره کمی محتاط عمل کند. این احتیاط سرعت حرکت انجمن را کمتر کرد اما همه چیز تاکنون با عقل جمعی جلو رفته است و این خیلی مهم است. تن دادن به این موضوع، تن دادن به یک نهاد مدنی در کشوری که این قضیه کم تجربه شده، خیلی ارزشمند است و آنچه که در انجمن جاری می‌شود، سیاست‌های ما با خصوصیاتی که عرض کردم است، در یک نهاد مدتی خیلی واقعی حضور پیدا می‌کند و به عقل جمعی تن می‌دهند و هزینه‌های عقل جمعی را هم حتماً می‌پردازند.

تهرانی در ادامه با تأکید بر استقلال عمل نویسندگان، ادامه داد: «ما یک انجمن فرهنگی تشکیل دادیم که صفتی نیست اما به ونه‌ای توهمات صفتی هم از آن وجود دارد. ما هم تلاش می‌کنیم به این توهمات صفتی در کادر فعالیت‌های فرهنگی جواب دهیم. الان توهمات صفتی، در حیطه کار صفتی دیر مشکل می‌گیرد و جواب می‌دهد، چه رسد به اینکه بخواهیم به آن در کادر فرهنگی جواب دهیم چه دو بحث ایجاد امکانات مناسب‌تری برای اعضا، چه رفاه چه ارتباط با مخاطب، بحث بیمه و موارد دیگر، واقعاً سخت‌گیری‌ها و پیچیدگی‌های خاص خودش را دارد.»

وی با اشاره به این نکته نویسندگان به دلیل دلمشغولی‌های فرهنگی‌شان به کارهای صفتی تن در نمی‌دهند، گفت: باید در فعالیت‌های درامزای انجمن حضور فعال و مشارکت جدی توسط نویسندگان پیش آید و در این حوزه نیز همانند قسمت فرهنگی، آموزش و پژوهش و روابط عمومی انجمن، حضور فعال‌تری داشته باشند.»

مصطفی خرامان عضو هیأت‌مدیره انجمن، در ارتباط با عملکرد انجمن در طی چهار

سال گذشته، به بررسی توهمات و وظایف انجمن پرداخت و گفت: «اگر بخواهیم عملکرد انجمن را بررسی کنیم، باید در ابتدا توqeمان را از انجمن توضیح دهیم یعنی بگوییم که ما از یک انجمن چه انتظاراتی داریم، قرار بود برای

نویسندگان چه کاری بکند و بعد بگوییم که در ارتباط با این توقع‌ها، عملکرد انجمن خوب بوده و یا بد؟ ما به عنوان یک نویسنده فکر می‌کنم ما از

انجمنی که تازه تأسیس شده، نمی‌توانیم خیلی انتظار داشته باشیم، یعنی توقع داشته باشیم که مسایل مربوط به تیراژ کتاب در کشور حل کند، مسأله میزبانی کتاب را حل کند، این که مطبوعات به کتاب توجه ندارند، رادیو و تلویزیون به کتاب توجه نمی‌کنند، مخصوصاً کتاب کودک و نوجوان، فرهنگ کتابخوانی در کشور رایج نیست، نویسندگان مشکلات اساسی دارند، نویسندگان ناشر مشکل دارند، نویسندگان را به عنوان صنف و به عنوان یک شغل، کسی که کاری ارزشمند انجام می‌دهد، نمی‌شناسند. همه این مشکلات وجود دارد. از داستان‌های نویسندگان، فیلم می‌سازند و نویسنده دستش به جایی بند نیست هر تشریف‌آلی شعر هر شاعری را که بخواید چاپ می‌کنند، بدون اینکه از او اجازه بگیرد. این‌ها مشکلات اساسی است. اگر توقع ما این است که انجمن همه این مشکلات را حل کند، این توقع به جا نیست.»

محسن هجری دبیر کمیته فرهنگی انجمن است و در رابطه با عملکرد انجمن چند نکته را بیان نمود: «یکی اینکه در ایران با توجه به اینکه شکل‌های مدنی سابقه چندانی ندارند، بوجود آمدن چنین تشکلی، خودش نقشه‌ی یک ارزش است. در چارچوب ادبیات هم این پدیده ارزش مضاعف پیدا می‌کند. چون اکثر نویسندگان میل به انزوا و نرفرد دارند و اینکه خود جمع هم می‌شوند به این شکل ارزش مضاعف می‌دهد. وجود انجمنی صرفتظاً از کارهایی که کرده و حتی اگر به همین صورت هم نماند پیدا نمی‌کند، نفی نویسندگان در کنار هم باشند و یک صنف را تداعی کنند، ارزشی است که نباید آنرا دست کم گرفت. و بنیادی‌ترین ارزش در انجمن همین دور هم جمع شدن نویسندگان است. نکته دیگری که فکر می‌کنم انجمن نیاز دارد درباره آن فکر کند و راهکار بیندیشد، بحث تلفی سنتی از مدیریت است. مدیریت سنتی که می‌گویم به این



معناست که ما بر سبک و سیاق همان جامعه‌های پدرسارلا قبول کنیم که ۶-۷ نفر به عنوان متولیان امر سررشته کار را به دست بگیرند و بعد سایر نیروها خودش را کنار بکشند تا این ۷ نفر کارشان را انجام دهند. طبیعی است چون این افراد هم به صورت تمام وقت نمی‌توانند وقت بگذارند و در انجمن کار کنند، بازه مطلوب را نتوانند داشت و تغییرشان هم مشکلی را از انجمن حل نخواهد کرد. ما نیاز داریم که این تلقی سنتی از مدیریت عوض شود و ما به تلقی نوبی از مدیریت برسیم که متناسب با یک ساختار دموکراتیک باشد و آن هم مشارکت تمامی اعضای انجمن است. یعنی پذیریم که وقتی آن ۷ نفر را انتخاب می‌کنیم، به این معنا نیست که بقیه به سراغ کارهای خودشان بروند و در کارها مشارکت جدی نداشته باشند. من فکر می‌کنم که اگر این تلقی (اصلاح) کنیم، هر عنصری هم که در هیأت‌مدیره وارد پیدا کند، با هر فکری، چون به تنهایی کاری از پیش نخواند و در اماکن یا این مشکل در دوره‌های بعد هم مواجه خواهیم بود.

نکته دیگر در رابطه با اختلاف موجود در انجمن است. این اختلافات از روز اول بوده، هست و خواهد بود. یعنی این تصور که ما فکر کنیم که می‌شود این تشکیلات، به حدی برسد که اختلاف نداشته باشد، یک تصور ایده‌آستی و ذهنی است. در واقع هم همیشه تشکیلاتی که اختلاف درونی را با خودش حمل می‌کنند.

نکته بعدی این است که تشکل مدنی در ایران جوان است و روحیه‌ای که ما از دوران‌های تاریخی قلمدان داریم روحیه‌های ملوک‌طوئلی و روحیه‌های فردی (فردی) طبیعتاً با خودمان حمل می‌کنیم و تا این روحیه جایش را به یک روحیه مدنی بدهد و اینکه ما متفاوتی‌ها را با پذیریم مشارکت و مشورت را بپذیریم، نیاز به تمرین داریم و این نگرانی نیست که ما بتوانیم در سازه‌های خیلی نزدیک به آن دسترسی پیدا کنیم.

باید بپذیریم، نیاز به یک تمرین بلندمدت دارد و باید قبول کنیم که ما یک تجربه و خطا را ناچاریم در این مسأله طی کنیم و نمی‌توانیم الان یک تصور ایده‌آل و مطلق گرایانه‌ای نسبت به تشکل موجود داشته باشیم. من فکر می‌کنم که باید استقامت کرد سر نفس این تشکل، تشکل‌های مشابه تا اینکه ما یک روند تجربه و خطا و

تمرین‌های مستمر به روحیه جامعه مدنی برسیم.»

محمدرضا شمس، عضو انجمن و مسئول جلسات قصه، نظرات خود را اینگونه آغاز کرد: «همه انتقاد من به انجمن، فرهنگی بودن آن است، باعث می‌شود که کمتر به کارهای صنفی بپردازد. ما نوبسندها به یک صنف احتیاج داریم، به محلی که بتوانیم مشکلات صنفی‌مان را حل کنیم. با این همه من خوشحال بودم که این انجمن تشکیلی می‌شود. نبودن احساس می‌شد برای همین عضو شدم، با آن هم همراه شدم، تا امروز. به نظر من در کل با ارزیابی که از کارهای انجمن می‌شود، مثبت است، با اینکه من به خیلی از کارهای انجمن ازجمله انتخاب نوبسندها و شاعران در بیست سال، از همان اول مخالف بودم. با نوع انتخاب داوران و غیره هم مخالف بودم، نظرات و پیشنهادهایی را هم گفتم. به این قضیه انتقاد داشتم چون باعث خیلی از مشکلات را هم گفتم به این قضیه انتقاد داشتم چون باعث خیلی از مشکلات و فرگری‌ها در انجمن شد، من پیش‌بینی هم می‌کردم که این مشکلات و فرگری‌ها پیش بیاید. باز این که عده‌ای از انجمن رفتند و ما برخورد خوبی با آنها نداشتیم. می‌توانستیم جلوی آن‌ها را بگیریم تا از انجمن نروند. با این همه من عملکرد انجمن را مثبت ارزیابی می‌کنم. همین که ما نوبسندها انجمنی داریم که می‌توانیم در آن دور هم جمع شویم، خیلی خوب است. همین که انجمن بگیریم مشکل بیمه ما است، همین که انجمن بگیریم مدرک معادل و مسایل دیگر است، جای آمیزوری است. من امیدوارم که همه این‌ها به سرانجام برسد. انجمن مشکلات دیگری مثل فرگری به ناشر و مسائلی از این دست را حل کرده است. من آرزو می‌کنم و امیدوارم که در انجمن به این مسائل بیشتر پرداخته شود تا حق جملات ضایع نشود.»

جمال‌الدین اکرمی عضو انجمن و

مسئول بخش روابط داخلی، روابط عمومی انجمن است و از نیز پیرامون ضرورت تشکیلی انجمن می‌گوید: «قاعدهٔ جامعه ما نسبت به نهادهای مدنی، بسیار بی‌تجربه است؛ هم به خاطر اینکه ساختار اجتماعی کشور ما طوری نبوده که تشکل‌ها بسیار آسانی جلوه کند و اینکه احساس کنیم کسانی می‌توانند دور هم جمع

شوند و تشکیلی داشته باشند. قدیمی‌ترین تشکل مدنی که در زمینه ادبیات کودک داریم، شورای کتاب کودک است که در نخستین سال‌های دههٔ چهل تشکیلی می‌شود و چیزی نزدیک به چهل سال از عمرش می‌گذرد. شاید نهادهای مدنی بعدی که شروع به کار می‌کنند، عمرشان از دههٔ هفتاد به بعد باشد، یعنی اینکه شاید فکر اولیهٔ تشکیلیش به ده سال برسد، اما مقدماً جمع شدن نوبسندها دور هم و به خصوص در انجمن بیشتر از ۴ سال نگذشته است.

نهایت این است که تشکیلی یک نهاد مدنی بر مبنای یک ضرورت صورت می‌گیرد اما ماندگاری‌اش هم دلیل ندارد که ضرورت یکسانی داشته باشد. یعنی اینکه روزهای اول تشکیلی انجمن، قشر زیادی از نوبسندها که در جست و جوی یک تشکل مدنی بودند با اشتیاق دور هم جمع شدند و همه منتظر بودند، تفکراتی می‌خواستند بود که همه ایده‌های کودکان را می‌پسندند. دنبال کنند. هدف هم مشترک بود، رسیدن به قلهٔ اعتلای ادبیات کودک. چیزی که اینجا با همه‌گیر متفاوت بود، مسیر رسیدن به این هدف بود و همین اختلاف مسیر باعث شد که خیلی از کسانی که در روز اول استقبال کرده بودند، توانایی پذیرش چنین موضوعی را نداشته باشند. به خاطر اینکه تا قبل از تشکیلی چنین نهادی، نوع نگاه نگاه فرگرایانه بود و در واقع ادبیات کودک به شوهٔ آیین پهلوانی اداره می‌شد؛ یعنی اینکه دو سه نفر که تصور می‌کردند پهلوان ادبیات کودک هستند و فکر می‌کردند اندیشه‌های آنها

ندیشه‌های مسلط بر ادبیات است و وقتی چنین نهادی شکل گرفت، آنها وارد جریان شدند اما ناب دیدن مسیریهای گوناگون را نداشتند و تصور می‌کردند که همه باید با روی جانی پای آنها بگذارند و این مسیر یکسان طی شود که این قاعدهٔ نوآمی یک نهاد مدنی باشد چون از ویژگیهای نهاد مدنی، کثرت‌طلبی شرایط اولیه و جماعت‌جویی هست. نتیجه این بود که خیلی از آنهایی که در روزهای اول همیای انجمن بودند، نتوانستند تاب بیاورند یا حضورشان کم‌رنگ شد و با عملاً کنار کشیدند. خیلی‌ها هم دنبال کسب امتیازات شخصی بودند، یعنی مترصد این بودند که انجمن نوبسندگان کودک و نوجوان چه کاری می‌تواند برای آنها انجام دهد اصلاً قاعدهٔ این نیست که در یک نهاد مدنی سؤال اصلی این است

که ما چه کاری می‌توانیم برای جامعه انجام بدهیم». ممکن است یک نهاد مدنی مثل انجمن در برهه‌ای به بخشی از نیازهای ما جواب بدهد اما اگر جواب نداد کاستی یک انجمن نیست. چرا که انجمن مجموعه توانایی‌های ماست و به ضرورت اگر نیازهای خودمان را در انجمن پیدا نکردیم، نمی‌توانیم تصور کنیم که انجمن کم‌کار یا ناتوان است.

و شاید جدایی عده‌ای از اعضا به خاطر دلایل مذکور باشد. هر ضیفی که از انجمن دیده می‌شود، بخشی از آن به عملکرد تک تک افراد برمی‌گردد. این تصور بسیار غلط است فکر کنیم که از روش کار انجمن خوشمان نمی‌آید، یا از راه‌هایی که انجمن برای رسیدن به هدف انتخاب کرده خوشمان نیاید. این عمدتاً یکی از ویژگی‌های نهادهای مدنی یا گرفته‌ها در ایران است که این معضل را همیشه به دوش می‌کشند و باعث می‌شوند که بخش زیادی از انرژی یک نهاد مدنی تلفت شود. اگر چهار سال از عمر انجمن می‌گذرد، باید نیمی از آن اتلاف وقت بوده تا بتواند از خودش دفاع کند. برای اینکه ثابت کنند که ما باید باشیم، برای اینکه ثابت کنند که کثرت نظر باید باشد، برای اینکه ثابت کنند منافع فردی ارجح بر منافع جمعی نیست، نتیجه اینکه این دفاع شخصی باعث می‌شود که مدت زیادی از زمان صرف این موضوع شود. همه این‌ها ناشی از ناپختگی حرکت گروهی در جامعه ماست و فکر می‌کنم که تنها به انجمن برنمی‌گردد.

واضح است که انجمن یک محفل درآمزداری نیست و نمی‌تواند برای رسیدن به اهداف خودش به منافع مادی تکیه کند. نهایت این است که نیازمند جذب نیروهای جوان است. نیازمند جذب توجه نهادهای مدنی است. نیازمند این است که بتواند در محدودیت‌های زمانی و مکانی خودش با زیرکی حرکت کند و بدون اینکه بخواهد به سازش‌های مقطعی تن بدهد و بدون اینکه بخواهد از اهداف خودش دور شود و منحرف شود، به جایی برسد که فکر می‌کند هدف کوتاه‌مدت خودش بوده است. انجمن باید درمورد باشد که با گروه‌های دیگر، با نهادهای مدنی در یک تشکل جامع‌تر قرار بگیرد تا بتواند به توان غیرمادی خودش اضافه کند. این یکی از راهکارهایی است که من تلاش انجمن را در این جهت می‌بینم.

کار دیگری که انجمن باید انجام دهد این است که این را برای نوسنده‌ها جایگزین کند. دوری از ادبیات بازاری یک ضرورت است؛ پدیده‌ای که جامعه ادبی ما را به شدت تهدید می‌کند و باعث شده که ادبیات ما (به خصوص ادبیات کودک) خالی از محتوای غنی باشد. ما در مورد ادبیات نوچوانان این مشکل را کمتر داریم. در ادبیات نوچوانان چهره‌های بسیار شاخصی داریم که به محتوای ادبیات وفادار بوده‌اند و آن را به قله‌های خوبی رسانده‌اند مثل آقای پارسی، آقای یوسفی، آقای مرادی، کرمانی، آقای محمدی، آقای حسن‌زاده و دوستان دیگر. اما این پدیده در مورد ادبیات کودک صادق نیست و ادبیات کودک به شدت زیر چتر ادبیات بازاری قرار دارد. بسیاری از چهره‌های خوب ما دچار بازار شده‌اند و تقریباً شکل ادبیات ماندگار را فراموش کرده‌اند. یکی از نکاتی که انجمن باید برای اعضای خودش جایگزین تلاش برای این است که سمت و سوی ادبیات بازاری را از ادبیات ماندگار جدا کند و آنها را بشناسد.

موضوع دیگر کثرت شیوه‌های جوان است به خصوص داشتن مخاطب‌های کودک و نوچوان. که دارد که بچه‌ها در انجمن حضور داشته باشند، در مورد ادبیات خودشان نظر دهند و به نوعی لاینده‌های آینده موجود بین مخاطب و مؤلف را از بین ببرند و در یک نزدیکی الزامی بتوانند به چشم‌اندازهایی که نیازمندی هستند دست بیاورند. این به چند دلیل برای ما لازم است: اول برای اینکه بحث مخاطب‌شناسی جایفتد و بعد اینکه ما می‌توانیم نیروهای جوان شاعر یا نویسنده را از بین همین کودکان، نوچوانان و جوان‌ها کشف کنیم و آنها را تربیت کنیم. تربیت نسل آینده ادبیات کودک بخشی از وظایف انجمن است. مثلاً ما در نشریه دوچرخه قره‌قهای بسیار روشن و خوبی از آنها دیده‌ایم.

شاید من ردیابی حقوق نوسنده را آخر از همه این موارد می‌دانم، چیزی که تقریباً خیلی جاها به عنوان اصل اول شناخت هشته است و آن دفاع از حقوق نوسندگان. دفاع از حقوق نوسندگان در جوامع پیشرفته‌تر شاید یک اولویت باشد اما در جامعه ما، اصلاً ما چیزی به عنوان ادبیات مستقل کودک نداریم این یک معضل است. بنابراین به نظر می‌آید که اول باید محتوای ما وجود داشته باشد تا به خودمان برسیم. یعنی تا

توانیم ادعا کنیم که ادبیات کودک مستقل داریم. نمی‌توانیم از حقوق نوسنده دفاع کنیم چون اصلاً بعضی اوقات به این نتیجه می‌رسیم که اصلاً نوسنده‌های نداریم، گاهی نوسنده ما به نوسنده متون آموزشی تبدیل می‌شود و این چیزی است که دیگر نمی‌توانیم از حق و حقوق مبتنی بر ادبیات، از آن موقوفه صحبت کنیم. لازم است که انجمن از حقوق صفتی و خواسته‌های حقوقی نوسنده‌ها دفاع کند، گرچه این اصل ابتدایی انجمن نیست اما یک تلاش است که اگر به آن برسیم، به معنی ضعف انجمن نیست می‌تواند نشان‌دهنده کم‌کاری انجمن باشد و نشان‌دهنده از دست دادن زمان باشد.»

حسین نکایی عضو انجمن و دبیر کمیته روابط عمومی انجمن می‌گوید:

برای بررسی کار انجمن می‌توانیم به راهی که خودمان بلد هستیم، متوسل شویم یعنی بایبیم بگوییم انجمن یک فرم دارد و یک محتوا، فرم و ظاهر انجمن از دو جهت قابل بررسی است یکی جایگاه انجمن در جامعه و دیگری جایگاه انجمن در بین روشنفکران اهل قلم، به ویژه نوسندگان کودک و نوچوان. در جامعه ما سابقه انجمن‌هایی شبیه انجمن نوسندگان کودک و نوچوان کمتر از قرن نیم است. اولین و باسابقه‌ترین تشکل روشنفکران صاحب قلم که در واقع مهم‌ترین تجربه موجود ماست تجربه‌ی چندان موفقیتی نیست. دلایل عدم موفقیت آن به طور خلاصه می‌تواند بون دیدگاه‌ها یا به زبان خودمان سیاه و سفید دیدن دنیا و سیاسی کردن همه مسایل و اتفاقات است. طبیعی است که از تعریف ادبیات متعهد و سیاسی، تشکل به شدت سیاسی زاینده شود و باز طبیعی است که یک تشکل سیاسی که علاقه‌مند به کار سیاسی نیست، نتواند سر پا ماند. چنین تشکلی در طول عمر خود نمی‌تواند جامعه را با آن عمق، تحت‌تأثیر قرار دهد که روابط حقوقی جامعه تغییر بکند و چنین تشکل‌هایی در نظام اجتماعی تعریف بشود. با این سابقه می‌توان گفت انجمن نوسندگان کودک و نوچوان، تعریف روشن و واضح حقوقی ندارد. این مثال انجمن اگر می‌خواهد کار سیاسی کند، باید به عنوان یک تشکل سیاسی مجوزی از وزارت کشور دریافت نماید و اگر می‌خواهد کار صنفی کند، باید به وزارت کار مراجعه نماید. اگر دنبال کار فرهنگی

استه وزارت ارشاد محل رجوع او خواهد بود. این برکنندگی دلیل نبودن جایگاه حقوقی روشن برای چنین انجمنی است. مسأله بعدی، جایگاه انجمن بین روشنفکران صاحب قلم است. طبق شنیده‌ها، برخی انجمن نوسنگدان را یک سازمان وابسته به دولت می‌دانند. این گروه ادامه همان تجربه‌ی سابق‌الذکر هستند. انجمن در رابطه با دولت تمرکز تازه را ارائه کرده است. نگاه جدید به مرکز قدرت، راه گفت و گو، بده‌بستان و همکاری را بین تشکل‌های مدنی و مراکز قدرت باز کرده است. نسبت انجمن با دولت، براساس این نگاه جدید شکل گرفته است. نامه‌های انجمن خطاب به رئیس‌جمهور و مدیران ارشد دولتی و نیز دبیرها و گفت و گوهایی مدیران انجمن با وزیران وزارتخانه‌های مرتبط با کتاب کودک و نوجوان و واکنش‌های انجمن در برابر رویدادهای مختلف اجتماعی فرهنگی، مثل مسأله حقوق کودک و انتخاب کتاب سال وزارت ارشاد، که به شکل بیانیه‌ها متجلی شده است، تلاش‌های این نهاد در کسب تجربیات جدید و متفاوت است.

نکته سوم، جایگاه انجمن در بین نوسنگدان کودک و نوجوان است و اقامت پذیرفتنی، اما تا حدودی ناپیدا این است که ذهن نوسنگدان کودک و نوجوان نسبت به انجمن به آن صورت که باید روشن نیست و این به دلیل بی‌تجربگی همه ما در عضویت و نیز مدیریت چنین تشکل‌هایی است. در طول چهار سال گذشته، افراد مختلفی به شکل‌های گوناگون اهداف انجمن، وظایف هیأت‌مدیره، وظایف بازرسان، وظایف دبیران کمیته‌ها، وظایف دبیرخانه، وظایف اعضا و... را برشمرده‌اند. سؤال ایجاب‌است که این گفته‌ها که نشان‌دهنده نظرات اعضای انجمن است، بقدرت یا اساسنامه انجمن و نیز با ذهنیت اعضا نسبت به انجمن تطبیق دارد. باز واقعیت نه‌چندان دلچسب اما قابل تأمل این است که اعضای انجمن هنوز نتوانسته‌اند به تفسیری واحد از اساسنامه و همخوانی درست از اهداف روش‌های اجرایی و سازمان انجمن برسند. به اعتقاد من برای رسیدن به این هدف هنوز نیازمند زمان و کسب تجربه هستیم. امروز اگر ما شاهد برخی گلابیه‌ها، برخی حرف‌های تند و احساسی، برخی حرکت‌های قهرآمیز وقتی کینه‌جویانه هستیم، چگلی اتفاقی است که

بروز آنها در راه یک تشکل مدنی گسترده، که از لحاظ فکری و اعتقادی متنوع، از لحاظ سابقه کم سن و سال و از لحاظ تجربه تازه‌کار است، طبیعی است. ما باید که تن به این زخم‌ها بدهیم و خودمان را آماده بروز اتفاقاتی حتی سخت‌تر و ناگوارتر بکنیم و همیشه به خودمان بگوییم که می‌خواهیم برای یک بار هم شده، شجاعت تأسیس سازماندهی، اداره و بقای یک تشکل مدنی روشنفکری را نشان بدهیم.

اما به لحاظ محتوایی انجمن نوسنگدان کودک و نوجوان از زیربنای محکم، اصول موضوعه روشن و اعضای کارآمد برخوردار است. واقعیت دلچسب و امیدوارکننده این است که در طول چهار سال گذشته انجمن توانسته است به لحاظ مدیریتی، خود بسنده باشد و سازمانی پویا و پیش‌رونده را ایجاد کند. در آذرماه سال ۷۷ انجمن نوسنگدان کودک و نوجوان اسمی بود با یک هیأت‌مدیره و ۱۴۰ عضو. امروز انجمن نوسنگدان کودک و نوجوان انجمنی است با یک نشانی دائمی و مشخص، یک گنجینه‌ی جیمیم گران‌بها از تجربه، چند گراژشکار سالانه چند ده صفحه‌ای یک نشریه داخلی، فوست و چهل عضو و گروهی از صاحب‌قلم‌ان بانجریه در حوزه مدیریت نهادهای مدنی با اصول دموکراتیک. در طول چهار سال گذشته انجمن برای فعالیت‌های خود به جز اعضا و امکانات اعضای خود به هیچ فرد و سازمان و نهادهای تکیه نکرده است. جلب امکانات و همکاری بخش‌های دولتی و غیردولتی چگلی در جهت اهداف انجمن و در بستر رابطه‌های معقول و منطقی و مجاز بوده است و صد البته این اتفاق گرانقدر و بی‌سابقه است. نکته مهم دیگر، حرکت انجمن در گسترش عملی خانواده نوسنگدان کودک و نوجوان و فراگیر کردن فعالیت انجمن و پذیرفتن اعضای تمامی مراکز تجمع دولتی و غیردولتی که در آنها فعالان حوزه کتاب و مطبوعات کودک و نوجوان حضور دارند. این اتفاق باعث جریان یک موج عاطفی و قوی در بین اعضای مختلف انجمن شده است و در طول چهار سال گذشته منبع انرژی انجمن برای ادامه حیات خود عملاً علاقه عاطفی اعضا به انجمن بوده است. کنش‌ها و واکنش‌های اعضای انجمن در قبال رویدادها دلچسب یا ناگوار، چگلی در همین بستر عاطفی قابل فهم است. این که گروهی به عنوان

منتقد انجمن فریاد می‌زنند و از انجمن قهر می‌کنند برای یک تشکل با نزدیک به ۲۵۰ عضو، یک اتفاق طبیعی است اما این که هیأت‌مدیره انجمن ضمن ارائه پاسخ به آنان به جای نامه قهرآمیز، دعوت‌نامه مجددی برای آنان ارسال می‌کند، نشان‌دهنده همان عاطفه است. حتی امروز هم بازگشت مجدد این گروه گلابیه‌ها به جمع انجمن غیرممکن نیست و برای من قابل تصور است که تا چند هفته یا چند ماه دیگر همین اعضا را در بین اعضای انجمن ببینیم.

توصیه من به عنوان کسی که جزو اولین پیوستگان به انجمن بوده است و در طول سه سال گذشته به عنوان دبیر کمیته روابط عمومی و مسئول نشریه داخلی انجمن به اعضای انجمن خدمت کرده است، این است که ۱٪ به تمامی اعضا عرض می‌کنم که خوانند و اساسنامه و اشراف به تمام مواد آن برای یک عضو ساده الزامی است ۲٪ دقت و تأمل در اسامی آن که بر روی برگه‌های رأی نوشته می‌شود به معنی دقت در مسیر حرکت انجمن و ساختن آینده آن است. برای انتخاب مدیران انجمن طبقاً باید مسایل و موارد متعددی مثل توان فردی، گرایش سیاسی قدرت علمی، سطح دانش و آگاهی، تجربه‌های مدیریتی و... در نظر گرفته شود. ۳٪ یک گروه مدیریتی یکدست و هم‌رأی، هرچند برای برخی فعالیت‌های انجمن مفید قایده خواهد بود اما ضررهای آن برای پویایی یک تشکل مدنی فراوان است. به اعتقاد من گروه مدیران انجمن باید آیینی‌های از تمامی گرایش‌های فکری و سیاسی هم‌چنین گستره سنی و... باشد.

و جمله آخر این که من به عنوان یک عضو کوچک و ساده انجمن، ایده این تشکل مدنی را روشن و پربار می‌بینم و امروز بیشتر از آبان ماه سال ۷۷ که به عضویت انجمن درآمد، انجمن را دوست دارم.

مجمدهای کمی

محمدعلی بیکی

دیگر از اعضای انجمن، تنها ارباب آمبولوری کرد که در مجمع سوم، تحولاتی در انجمن بوجود آید و افراد



منفرد انتخاب شدند.